

تنظیم قانون مالیات‌های مستقیم در راستای استراتژی توسعه پایدار

هاجر جهانگرد*

تاریخ پذیرش: ۸۸/۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۸۸/۳/۱۷

چکیده

این مقاله با استفاده از رویکرد استراتژی توسعه پایدار و شرایط اقتصاد جهانی به تحلیل قانون مالیات‌های مستقیم در ایران می‌پردازد. پردازش نظریه توسعه پایدار مبتنی بر تحولات روزافزون در سطح اقتصادهای جهان بوده است. از این رو، همراه با تغییرات در ساختار اقتصادی جهان، باید در چارچوب‌های اقتصادی و فنی قانونمند، اقتصاد کشور را به پذیرش این استراتژی سوق داد. در این میان یکی از ابزارهای اجرای استراتژی توسعه پایدار، تنظیم و اصلاح مستمر قانون مالیات‌های مستقیم می‌باشد. بنابراین، مقاله به تحلیل پیش‌نیازهای تنظیم قانون مالیات‌های مستقیم در راستای استراتژی توسعه پایدار می‌پردازد.

مقدمه

استراتژی توسعه پایدار^۱ همانند بسیاری دیگر از واژگان اقتصادی، اصطلاحی است که اقتصاددانان در کشورهای پیشرفته بر مبنای توسعه پایدار و رویارویی با متغیرهای پویای اقتصاد جهانی به نظریه پردازی و ایجاد نظریه اقتصادی از چنین شرایطی پرداخته‌اند. پردازش چنین نظریه‌ای متکی بر انطباق با تحولات روزافزون در برخی کشورها یا برخی مناطق و یا بلوک‌واره‌های جهان بوده است. در این تغییر ساختار اقتصادی، ضرورت ایجاد می‌کرد تا در چارچوب‌های اقتصادی و فنی قانونمند بتوان اقتصاد جهانی را به پذیرش و ارائه استراتژی توسعه پایدار حرکت داد.

نخستین پرسشی که مطرح می‌شود این است که توسعه پایدار چیست؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که توسعه پایدار مجموعه‌ای است کلان که در آن خواسته‌های همه سرمایه‌های اقتصادی به صورت یکجا مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و تراز می‌شود. تفاوتی که این تعریف با دیدگاه سنتی توسعه دارد، در تعریفی است که برای سرمایه‌های اقتصادی ارائه می‌شود. در دیدگاه‌های سنتی تنها سرمایه‌های مادی در کنار نیروی کار^۲ ملاک ارزیابی قرار می‌گیرد، در حالی که در توسعه پایدار سه نوع سرمایه انسانی، طبیعی و مادی مبنای قرار می‌گیرد. در تحلیل دقیق‌تر می‌توان گفت که وجه تمایز هواداران توسعه پایدار با سایر گروه‌های اقتصادی در دو موضوع خلاصه می‌شود:

یکم: ماهیت منظور نمودن محیط زیست در ارزیابی‌های اقتصادی،

دوم: ماهیت انتخاب فرضیه‌های منطقی برای ارزیابی‌های مختلف.

در عمل به نظر می‌رسد که متفکرانی که درباره توسعه پایدار صحبت می‌کنند، مورد نخست را مد نظر دارند، در حالی که مورد دوم دست کم به اندازه مورد اول اهمیت دارد.

مفهوم استراتژی توسعه پایدار

موضوع پایداری^۳ با توافق همگان تعریف نمی‌شود. در طیف تعریف‌های موجود، پایداری به مفهوم سست^۴ عبارت، مبحثی است که رابرت سولو^۵ می‌پذیرد. در مقابل، پایداری به مفهوم اکید^۶ عبارت توسط هالینگ^۷ بیان می‌شود.^۸ در فرضیه پایداری به مفهوم سست، حالت مطلوب زمانی به دست می‌آید که تغییرات کل موجودی مجموعه سرمایه اقتصادی و طبیعی^۹ غیرمنفی باشد. در این صورت به سادگی می‌توان دید که استهلاک سرمایه‌های طبیعی را باید در ارزیابی‌های اقتصادی مدنظر قرار داد. در این گفته منظور از

سرمایه‌های طبیعی مجموعه‌ای به مراتب بزرگتر از منابع پایان‌پذیر انرژی یا حتی کل منابع پایان‌پذیر است. بر اساس نظریه‌های متکی به پایداری به مفهوم سست، جایگزینی بین سرمایه‌های طبیعی و ارزش‌های پولی ناممکن است.

بنابراین، به کارگیری تمهیدات ویژه برای حفاظت از سرمایه‌های طبیعی به قصد پایدارسازی توسعه الزامی است. در پایداری به مفهوم اکید کلمه، نقش انسان و سهم‌بری نیروی انسانی از مجموعه سرمایه‌های اقتصادی و طبیعی مطرح می‌شود. بنابراین، برنامه‌ریزی‌ها با در نظر گرفتن کل ارزش اقتصادی^۱ صورت می‌پذیرد. با این تعریف، تجدید نظر در محاسبات درآمد ملی امری الزامی و اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در عین حال پیوند بین درآمد ملی و ثروت ملی معنا و مفهوم قابل دفاعی خواهد یافت که در نهایت می‌تواند سلسله ارتباط بین نسل‌های مختلف را مشخص سازد. مفهوم اخیر در این مقاله مبنا قرار گرفته است. (خلعت‌بری، ۱۳۷۹)

در بحث پیرامون بعد زمانی و عمق پایداری هم باید دقت کافی مبذول شود. مواردی که در این قالب می‌تواند جایگاه داشته باشد، عبارتند از:

- الف- پایداری رفاه اقتصادی نسل‌های مختلف^۱،
- ب- پایداری وضعیت در دوره عمر بشر^۲،
- پ- پایداری و دوام جریان تولید و مجموعه اقتصادی^۳،
- ت- پایداری جامعه انسانی^۴.

هر یک از این موارد دیدگاه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد که از آن جمله می‌توان به نظریه تفاوت جان رالز^۵ اشاره کرد. (جهانگرد، ۱۳۸۳) آن چه از این مجموعه می‌توان گفت این است که توسعه پایدار ارزیابی همزمان تراز اجتماعی اقتصادی را در کنار تراز سیستم‌های طبیعی خواستار می‌شود. *تالی جامع علوم انسانی*

گسترده‌گی طیف بینشی و ناسازگاری ساختاری اصول توسعه پایدار با مباحث سنتی علم اقتصاد سبب شده است که توافقی عام در زمینه مجموعه‌ای که در عمل اصول توسعه پایدار را به مرحله کاربردی می‌رساند، وجود نداشته باشد.

به طور کلی، پایداری فقط به بعد زیست محیطی جامعه توجه ندارد. جامعه پایدار در تمام زمینه‌ها، جامعه‌ای است که در آن محیط زیست برای حفاظت سایر موجودات و حفظ منافع برای نسل آینده بشر با دقت محافظت شده، اقتصاد کارآمد بوده و برای نفع کل جامعه کار می‌کند و جامعه نیز توأم با عدالت و مساوات می‌باشد. آینده پایدار درگیر چیزی

بیش از پیشرفت فنی، برنامه‌ریزی دوراندیش و سیاست‌های مناسب می‌باشد. بنا نهادن یک جامعه خود نگهدار و با آینده‌بهرتر، درگیر تغییر در ارزش‌های انسانی، هم در افراد و هم در کل جامعه به گونه‌ای است که همگی در جهت حفظ و افزایش کرامت انسان باشد. همچنان که بیل استیگلیانی می‌گوید: (گرت، ۱۹۹۹)

باید تغییر بنیادی در نگرش‌های مردم و جوامع نسبت به محیط زیست به وجود آید. بنابراین، این امر دارای اهمیت قاطع است که یک فرهنگ ذاتاً دوستانه با محیط زیست در ملل به شکل انفرادی و در جهان به طور کلی شکل بگیرد. در چنین فرهنگی، مردم برای مراقبت از محیط زیست قبول مسئولیت نموده و حاضرند برای نسل‌های آینده هدف‌های کوتاه‌مدت خود را فدا^{۱۶} نمایند.

بررسی‌ها نشان می‌دهند که کشورهای پیشرفته جهان با به وجود آوردن یک الگوی تعادل عمومی، ضوابط عملی توسعه پایدار را مشخص نموده‌اند. در عمل نیز ضوابط ویژه‌ای برای عمومی‌کردن خواسته‌های الگو طی سال‌های اخیر به کار گرفته شده است. اگر الگوهای توسعه پایدار در مورد ایران به درستی به کار گرفته شود، خواسته‌هایی که در کاربرد این الگوها می‌تواند مطرح شود به طور عمده به شرح زیر خواهد بود: (پزی، ۱۹۹۲)

یکم، حفظ محیط زیست، شامل منابع طبیعی پایان‌پذیر و تجدیدپذیر و برقراری نوعی تراز بین اقتصاد ملی و محیط اطراف.

دوم، متعالی‌سازی انسان در قالب توسعه انسانی به ترتیبی که برتری‌های وجودی افراد در راه زندگی بهتر به کار گرفته شود. توسعه پایدار بدون توسعه انسانی ناممکن است. سوم، به وجود آوردن ساخت اقتصادی پیش‌رونده به گونه‌ای که رفاه عمومی پیوسته روندی غیرنزولی داشته باشد،

چهارم، پیوندیابی با جهان به ترتیبی که فاصله ارتباطی و فنی ایران با جهان در حال پیشرفت افزایش نیابد.

هر یک از این محورهای کلی، زیر مجموعه‌هایی را در بر می‌گیرد که در نهایت به بینشی از پایداری می‌انجامد که مفهومی بسیار گسترده دارد. طبیعی است که در چنین چارچوبی تنظیم و طراحی قوانین کشور هم باید در قالب نظریه توسعه پایدار معنی و مفهوم داشته باشد.

در اقتصاد جهانی^{۱۷} شرط تبعیت از حرکت در راستای توسعه پایدار، قرار داشتن اقتصاد کشورها در فضای باز اقتصادی و مقابله با رویکرد عوامل و فعالیت‌ها و یا تحولات

بیرونی و بنابراین به معرض آزمایش گذاشتن فعالیت‌ها و محصولات در رقابت تنگاتنگ جهانی است. بنابر چنین شرطی هر اندازه درجه فضای اقتصادی و سیاسی کشورها بسته‌تر باشد، در این صورت امکان تبعیت یا قرار گرفتن در چارچوب استراتژی توسعه پایدار به منظور انطباق یا انعطاف در قبال متغیرهای غیر قابل کنترل محیط بیرونی دشوارتر و حتی نامیسر می‌گردد. الزام اتخاذ این استراتژی بر تقویت و توسعه مدیریت^{۱۸} منابع به طور عام شکل می‌گیرد، به طوری که هر اندازه مدیریت منابع در سطح مؤسسات، کشورها و یا مناطق اقتصادی، توانایی رویارویی با رویکردهای بیرونی و تحولات ناشی از فضای باز اقتصادی را تقویت نماید، در این صورت امکان توفیق استراتژی در تمامی بدنه اقتصاد گسترده‌تر و سهل‌تر می‌شود.

ارتقا و توسعه مدیریت منابع با تقویت منابع مالی بنگاه‌ها و اقتصاد کشورها، منابع زیربنای انسانی، منابع تکنولوژیک و نرم‌افزاری اقتصاد در سطوح خرد و کلان میسر می‌گردد. بدیهی است عوامل ذکر شده همواره در چالش مستمر با متغیرها و عوامل رقابت‌آمیز محیطی قرار دارند و در چنین چالشی، هنر مدیریت توسعه منابع، بهره‌گیری به موقع از ابزارهای اقتصادی از جمله ابزارهای مالی، پولی، بانکی، قانونی، بازار، استانداردها، تعرفه‌ها و غیره می‌باشد.

نحوه بهره‌گیری از این ابزارها می‌تواند به تقویت یا تضعیف نقاط قوت، کاهش یا افزایش تهدیدهای محیطی بینجامد و اقتصاد خرد و کلان بنگاه‌ها یا کشور را به مزیت‌های اقتصادی جهت دهد و یا آن‌که آنان را به پذیرش مزیت‌های محیطی وادار ساخته و فرآیند رو به گسترش تحولات محیطی موجب ایجاد بحران‌های مختلف در متغیرهای بازار سرمایه، کار، درآمد، تراز تجاری گردد.

شرط لازم برای اثر بخشی استفاده از ابزارهای اقتصادی و سنجش کنش‌ها و واکنش‌های آنان، وجود شفافیت^{۱۹} در رفتارهای مؤثر بر فعالیت‌های بازار داخلی و نحوه اثرگذاری متغیرهای محیطی بر آن است. هر اندازه شفافیت متغیرها و رفتارها بیشتر باشد و نقش اقتصاد زیرزمینی^{۲۰} کم‌رنگ‌تر گردد، امکان سنجش درجه مهارت مدیران در حفظ یا توسعه مدیریت منابع میسرتر می‌گردد. به بیان دیگر، عدم شفافیت متغیرها و گسترش اقتصاد زیرزمینی، زمینه را برای سوءمدیریت در سطح خرد و کلان فراهم می‌سازد. تعبیر کارآمدی یا ناکارآمدی اقتصادی و همچنین پایین یا بالا بودن بهره‌وری بنگاه‌ها در چنین متن اقتصادی مفهوم‌پذیر می‌گردد.

استراتژی توسعه پایدار و انقلاب مدیریت منابع

نظریه پردازان توسعه پایدار که علم مولد و دانایی را مبنای کلیه فعالیت‌های اقتصادی خود قرار داده‌اند، به خاطر وجود شکاف فزاینده بین کشورهای در حال توسعه و یا کشورهای به حاشیه اقتصاد جهانی رانده شده، تأکید بر افزایش حرکت سرمایه، کالا، اطلاعات و کمک‌های مالی دولتی و غیردولتی در سطح کشورهای جهان دارند. اصرار بر گسترش عوامل مذکور در شرایطی صورت می‌پذیرد که حتی استعدادها و ظرفیت‌های انسانی، مالی، نوآوری فنی و نرم‌افزاری از سوی بسیاری کشورها و حتی کشورهای پیشرفته به سمت کشورهای فراپیشرفته به صورت روزافزونی جهت یافته است. این جهت‌گیری موجب گردیده تا کشورهای پیشرفته به منظور حفظ استراتژی توسعه پایدار و ممانعت از ایجاد شکافی غیرقابل جبران با کشورهای فراپیشرفته اقدام به اصلاحاتی مستمر و پویا در نهادهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود نمایند تا مدیریت منابع در این کشورها از بحران‌هایی کمتر برخوردار شود و کارآمدی اقتصادی آنان دچار مخاطره نگردد.

به یقین وضعیت برای کشورهای در حال توسعه، توسعه نیافته و یا به حاشیه اقتصاد جهانی رانده شده کاملاً متفاوت است. در این کشورها رشد حرکت سرمایه، کالا، اطلاعات و یا اخذ هر چه بیشتر کمک‌های مالی دولتی و غیردولتی به خاطر ضعف و کاهش فزاینده منابع آنان و همچنین شکاف اقتصادی جبران‌ناپذیر آن‌ها با کشورهای پیشرفته و جذب ظرفیت‌های انسانی و مالی آنان توسط کشورهای مزبور، در عمل نظریه افزایش حرکت سرمایه، کالا، اطلاعات یا کمک‌های مالی به این کشورها نه تنها نمی‌تواند ضعف منابع، شکاف اقتصادی، کاهش ظرفیت‌های انسانی و مالی آنان را جبران کند، بلکه رشد جریان‌های کالا و سرمایه را به سمت قطب‌های اقتصادی برتر دنیا شتاب می‌دهد.

در رقابت تنگاتنگ جهانی، امکان کنترل و اثرگذاری بر متغیرهای اثرگذار بر اقتصاد بین‌الملل توسط بسیاری از کشورها و به ویژه کشورهای توسعه نیافته و کشورهای به حاشیه اقتصاد جهانی رانده شده تقریباً ناممکن شده است. واقعیت پنهان دنیای امروز این است که قیمت مواد اولیه، نرخ بهره بین بانکی، نرخ پول، وضعیت تعرفه‌ها، حضور مؤثر در سازمان‌های بین‌المللی یا منطقه‌ای، اثرگذاری بر متغیرهای اقتصادی درون سازمان‌های پولی و یا اتحادیه‌های منطقه‌ای همگی توسط کشورهای تعیین می‌شود که از وجوه متمایز اقتصادی و سیاسی برتری برخوردارند و سایر کشورها نقش انفعالی و پذیرنده نسبت به

تصمیم‌های اقتصادی آن کشورها ایفا می‌کنند.

جنبش‌های ضد گسترش جهانی شدن^{۲۱} اقتصاد، هم اکنون علاوه بر تأکید بر حفظ هویت فرهنگی و سیاسی خود، کاملاً بر این جهت‌گیری‌ها و فعل و انفعال‌های غیرقابل کنترل و اثرناپذیر بر متغیرهای اقتصاد بین‌الملل آگاهی دارند و افزایش حرکت سرمایه، کالا، اطلاعات و یا کمک‌های فنی را به هیچ وجه مایه کاهش فزاینده اقتصادی بین کشورها نمی‌دانند. اما به ظاهر جهانی شدن اقتصاد، پایه‌ریزی نظری و اجرایی خود را با انقلاب مدیریت و در چارچوب مدیریت توسعه منابع صورت داده و متأسفانه هر گونه جنبش ضد جهانی شدن یا سایر جنبش‌های اجتماعی یا سیاسی قادر به تغییر در این استراتژی توسعه پایدار و جهت‌گیری‌های جهانی نمی‌باشند. (آدامز، ۲۰۰۳)

به جز موارد ذکر شده برای اجرای استراتژی توسعه پایدار، این استراتژی با تأمین نیازهای زیر توانسته است انقلاب مدیریت را به نفع کشورهای فراییشرفته در چارچوب مدیریت توسعه منابع گسترش داده و دامنه فعالیت‌های اقتصادی را به مقیاس‌های فراملی بکشاند.

یکم، افزایش و توسعه منابع مالی، تکنولوژیک، نرم افزاری، ماشین آلات تجهیزاتی، انسانی

دوم، توسعه زیربنای اقتصادی (جاده، راه آهن، دسترسی سریع به بازارهای منطقه‌ای و جهانی، بنادر، انرژی، ارتباطات)

سوم، جذب منابع خارجی به طرف قطب‌های اقتصادی (اعم از مالی یا انسانی)

چهارم، شکستن انحصارات اقتصادی و سیاسی

پنجم، تقویت بازارهای رقابتی شفاف در کلیه زمینه‌ها

ششم، کم‌رنگ کردن مقیاس اقتصاد زیرزمینی

هفتم، مبارزه جدی و غیرتبعیض آمیز با فساد^{۲۲} و رشوه‌خواری

هشتم، حفظ و جذب مغزها و نیروهای انسانی کارآمد

نهم، مولدسازی دانش جهت توسعه مهارت‌ها و تکنولوژی

دهم، تشویق مستمر شرکت‌ها اعم از متوسط و بزرگ به ادغام^{۲۳} اقتصادی و توسعه

فعالیت‌های فرامرزی آنان

یازدهم، بازیافت ضایعات اعم از زیست محیطی یا تولیدی

دوازدهم، جلوگیری از هزرروی منابع و محصولات تولیدی در چارچوب ضوابط حفظ

و بهبود استانداردهای محیط زیست

سیزدهم، نوآوری، توسعه و تغییر مستمر در ترکیب تولیدات و خدمات چهاردهم، اصلاح مستمر ساختار منابع انسانی، مالی، تجهیزاتی، خدماتی پانزدهم، بازبینی و اصلاح ساختار قوانین، مقررات، روش‌های سازماندهی، هدف‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های عملیاتی متناسب با تحولات بازار

شانزدهم، بازبینی و اصلاح مستمر تعرفه‌ها، مالیات‌ها، نرخ‌های بانکی، نرخ‌های ارز، قدرت خرید و پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، هزینه‌های عملیاتی، هزینه‌های مالی به منظور افزایش سهم تولیدات و خدمات در بازارهای ملی و فراملی

استراتژی توسعه پایدار و مالیات‌های مستقیم

استراتژی توسعه پایدار از طریق اصول کمی و کیفی علمی و با بهره‌گیری دائمی از فن‌آوری‌ها و محاسبات اقتصادی، در ایجاد فرصت‌های جدید و کاهش تهدیدهای محیطی با بالا بردن نقاط قوت و کاهش نقاط ضعف، همواره در رویارویی با رویکردهای رقابت‌های فشرده جهانی، فعالیت‌ها و اقداماتی انعطاف‌پذیر را برای گسترش سهم خود در اقتصاد جهانی به عمل می‌آورد. (OECD، ۲۰۰۲)

یکی از ابزارهای اجرای استراتژی توسعه پایدار، بازبینی و اصلاح مستمر مالیات‌ها در ارتباط با تحولات جهانی و در مقایسه با سایر رقبا به منظور تأثیر بر سیاست‌های اقتصادی اشخاص، خانوارها، بنگاه‌های اقتصادی و مجموعه فعالیت‌های بخش‌های اقتصادی کلان کشور می‌باشد. در استراتژی توسعه پایدار ابزار مالیاتی عاملی برای تشویق افراد در کار و رشد فعالیت‌های اقتصادی به ویژه از طریق نوآوری، توسعه و تغییر مستمر در کمیت و کیفیت تولیدات و خدمات و در نتیجه افزایش بهره‌وری بنگاه‌ها و کارآیی اقتصادی است.

مالیات در استراتژی توسعه پایدار محرک افزایش انگیزه به منظور بالا بردن فعالیت‌ها و تغییر رفتار اقتصادی بازار در همه زمینه‌های مصرف، تولید، سرمایه‌گذاری داخلی یا خارجی، پس‌انداز، صادرات و واردات محسوب می‌شود. در چنین متنی، مالیات انگیزه‌زاست نه اصطکاک‌زا که به کاهش تولید منجر شود. البته لازم به ذکر است که وقتی ظرفیت مالیات‌پذیری جامعه و مؤسسات اقتصادی به طور بهینه مشخص می‌گردد و ابزار مالیاتی به عنوان مشوق و انگیزه اشخاص حقیقی و حقوقی در کار و رشد فعالیت‌های اقتصادی به کار گرفته می‌شود که شفافیت اقتصادی در تمام متغیرهای اقتصادی وجود

داشته باشد. (همان) عدم شفافیت در اقتصاد عامل کم اثر شدن انگیزه‌ها و مشوق‌های مالیاتی است به طوری که هر قدر اقتصاد زیرزمینی گسترده‌تر باشد، ابزار مالیاتی به جای داشتن آثار مثبت مستقیم، صرفاً به آثار و نتایج منفی اقتصادی منجر می‌شود.

قانون‌گذار هدف خود را از اصلاح و وضع مالیات، تأثیر بر سیاست اقتصاد کلان و خرد بخش‌ها، افزایش رفاه از طریق کاهش نابرابری درآمدها، کاهش یا افزایش قدرت خرید به وسیله مالیات‌های خرید، جلوگیری از ورود کالاهای خارجی به صورت غیررسمی و یا انواع قاچاق به منظور کمک به بهبود تراز پرداخت‌ها و بالاخره تأثیر بر اندازه رشد و توسعه منابع اقتصادی هر کشوری باید قرار دهد. طبیعی است اگر اصول عدالت، اطمینان و سهولت در اخذ مالیات بر روح قانون حاکم نباشد، در این صورت نه تنها هدف قانون‌گذار تأمین نمی‌شود، بلکه ممکن است واکنش در رفتار بازار به شکلی معکوس در جهت‌گیری‌های استراتژی توسعه پایدار عمل نماید. جامعه اروپا و اتحادیه اقتصادی آن مثال بارزی در این زمینه می‌باشد که با توجه به شفافیت بالای بخش‌های اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه، هم‌اکنون اظهارنامه‌های مالیاتی از طریق اینترنت ارائه و مالیات مربوط نیز از همان طریق و با کسر شدن از کارت‌های اعتباری مؤدیان مالیاتی صورت می‌پذیرد. (زیوگولی، ۴۶۲-۴۵۵)

چون نگرش قانون‌گذار علاوه بر شناخت دقیق از شرایط موجود ملی و جهانی باید نگاهی مبتنی بر آینده‌نگری و آینده‌سازی جامعه باشد، بنابراین پیش‌بینی مواد قانونی مالیاتی اگر در جهت همسویی با روند جهانی شدن اقتصاد، یا نه در جهت همگرایی با آن، بلکه حتی در جهت رویارویی با چنین روندی باشد، لازم است تا هر ماده قانونی مالیاتی به صورتی انگیزه‌ساز برای کاهش شکاف تولیدی و تکنولوژی و همچنین توسعه سطح زندگی در مفاهیم کمی و کیفی آن پیش‌بینی گردد.

چنانچه چارچوب آینده‌سازی به نام استراتژی توسعه پایدار نیز در روند کلان اقتصاد کشور حاکم باشد، باید مواد قانونی مالیاتی متأثر از این چارچوب استراتژیک، به ایجاد شرایط تسهیل‌کننده‌ای به منظور نیل و اجرای این استراتژی اهتمام ورزد، بنابراین روح حاکم بر هر ماده قانون مالیات باید منبعث یا متأثر از ویژگی‌های زیر باشد:

۱- توسعه تکنولوژی از کاربری و سرمایه‌بری به سمت دانش‌بری

۲- جانشینی مزیت‌های رقابتی نسبی تولیدی و خدماتی برتر

۳- انقلاب در بنگاه‌های اقتصادی در زمینه‌های زیر:

- ۳-۱- اتوماسیون گسترده با تأکید بر اصلاح ساختار نیروی انسانی ماهر
- ۳-۲- ساختار سازمانی سیال
- ۳-۳- مشوق‌ها و معافیت‌های مالیاتی جهت ادغام یا ارتباطی پویا بین واحدهای مختلف شرکت‌های داخلی و خارجی با استفاده از شبکه‌های جهانی
- ۳-۴- رقابت فشرده جهانی
- ۳-۵- الگوهای نوین مدیریت، ساختار سازمان‌ها، بهسازی و توسعه انسانی و تکنولوژی به طور هم زمان
- ۳-۶- تغییر کیفی و کمی در افزایش سهم بازار محصولات
- ۳-۷- به حداقل رساندن و بازیافت ضایعات مواد، محصول، زمان، دانش و مهارت انسانی
- ۳-۸- تبدیل شبکه‌های درون سازمانی به عصر شبکه‌های بین سازمانی و بین منطقه‌ای
- ۳-۹- افزایش کارایی سازمان‌ها و مناطق از طریق افزایش ارتباطات و تبادل تحقیق و توسعه بین سازمانی و بین منطقه‌ای در تمامی زمینه‌های فعالیت‌های مشابه یا مکمل
- ۳-۱۰- حذف هزینه‌های عوامل دلالی و واسطه
- ۳-۱۱- بهبود استانداردهای ملی محصولات و خدمات و بازنگری همه ساله با توجه به تغییر در استانداردهای جهانی
- ۳-۱۲- انعطاف‌پذیری بالا در قبال تحولات و رقابت‌های تولیدی جهانی
- ۳-۱۳- پذیرش و تشویق استراتژی‌های نوین در چارچوب استراتژی توسعه پایدار جهت رویارویی با تحولات بین‌المللی به منظور حفظ و ایجاد زیربخش‌های مولد مانند استراتژی‌های رهبری هزینه، تمرکز بر رشد، توسعه بازار، نوآوری، ادغام افقی^{۲۴}، ادغام عمودی^{۲۵}، تمرکز بر تنوع و حتی انحلال
- ۳-۱۴- ارتباطات تولیدی بین بخش‌ها و مناطق کشور به منظور یکپارچه‌سازی و ادغام اقتصادی بخش‌ها و مناطق
- ۳-۱۵- احیا و گسترش شرایط زیست محیطی در مناطق کویری و نیمه کویری کشور از طریق مدیریت توسعه منطقه‌ای.
- روح حاکم بر قانون مالیات‌ها باید به گونه‌ای باشد که بتواند اقتصاد را در مقابل

تندبادها و تهدیدهای سیاسی و اقتصادی تا حدودی مصون سازد. مصون‌سازی جزء جداناپذیر استراتژی توسعه پایدار می‌باشد و طراحان یا وضع‌کنندگان قانون مالیات، جهت‌گیری تفکر و طرح خود را به لزوم و به خاطر تهدیدهای فزاینده محیطی باید معطوف به افزایش مصونیت بخش‌های اقتصادی کشور نمایند. (رامون، ۲۰۰۳)

قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۷۱ بی‌بهره از هر گونه تفکر حاکم بر تحولات اقتصاد جهانی و تغییرات وسیع بین دو قطب سیاسی شرق و غرب جهان که موجب تصمیم‌ها و اقدام‌های سریع و متفکرانه مؤسسات اقتصادی بین‌المللی گردیده بود، به نظم و اجرا درآمد. فقدان چنین تفکر حاکم بر تحولات بین‌المللی و جدایی از بینش انطباق‌پذیر و قابل انعطاف با این تغییرات عاملی بود تا اقتصاد کلان کشور را به صورت اقتصادی حاشیه‌ای و مؤسسات تولیدی، پولی، بانکی، تجاری، صنفی را به صورت مؤسساتی ورشکسته یا با بدهی‌های سنگین و یا با مشکلات درون‌زای گسترده‌ای روبرو سازد. پس از تصویب قانون مالیات‌های مستقیم در سال ۱۳۶۶، این قانون با اصلاحاتی مواجه شد که بیشتر شامل نرخ‌های تصاعدی ماده ۱۳۱ و مشمول کردن مالیات بر سرمایه مربوط به سرقفلی به این ماده بود.

به بیان دیگر، این قانون که از سال ۱۳۶۸ به اجرا درآمد و قانون اصلاح مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۷۱، متأسفانه در انطباق با شرایط اقتصادی پس از جنگ که سازندگی و بازسازی اقتصادی را اقتضا می‌کرد با نارسایی‌هایی روبرو بود، به طوری که موانع و محدودیت‌های بیشتری برای تولید به وجود آورد. مطالعه نظام مالیاتی برخی از کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که این کشورها نرخ مالیات اشخاص حقوقی را تا حد ممکن کاهش داده و از این طریق توانسته‌اند به گسترش و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی که عاملی مؤثر در جهت توزیع درآمد در اقتصاد هستند، کمک کنند و بر ظرفیت‌های مالیاتی که در اثر توسعه خدمات جنبی این بنگاه‌ها به وجود می‌آید بیفزایند. این کشورها عمدتاً نرخ مالیاتی اشخاص حقوقی را ثابت و تناسبی کرده‌اند و برای جبران کاستی‌های درآمد مالیاتی به سیستم مالیات بر ارزش افزوده یا مالیات بر مصرف روی آورده‌اند.^{۲۶}

در هر حال تفکر حاکم بر قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۷۱ نه تنها فارغ از استراتژی‌های بنگاه‌های کوچک و متوسط^{۲۷} و بزرگ بین‌المللی طراحی شده بود، بلکه عنصر اصلی انقلاب مدیریت یعنی علم مولد و دانایی را که شاخص اصلی هزاره سوم

میلادی است نادیده انگاشته بود. (قوانین مالیاتی برای نظارت مالیات، ۲۰۰۵)

علاوه بر آن قانون مصوب سال ۱۳۷۱ فارغ از مشکلات و تنگناهای حاکم بر فعالیت‌های صنعتی و معدنی، تجاری، کشاورزی و سایر بخش‌های پشتیبانی در سطح ملی تنظیم گردیده بود. ساختار تک محصولی تهدیدپذیر کشور و ضعف فزاینده بخش‌های مولد و همچنین نقص و ضعف در بازار پول، سرمایه، بانک، سرمایه‌گذاری، اشتغال در عمل قانون مزبور را به عنوان یکی دیگر از عوامل فزاینده ضعف‌های اقتصادی تبدیل نمود و بی‌ثباتی را در سطح سرمایه، فعالیت‌های اقتصادی، اشتغال و کارآفرینان تشدید نمود.

مالیات‌های سنگین بر فعالیت‌های اقتصادی به بنگاه‌ها و مؤسسات، صورت انگلی و وابسته به نظام پولی و بانکی کشور داد و این در شرایطی صورت می‌گرفت که مؤسسات بین‌المللی با درجه بالای پیچیدگی فعالیت‌ها، ثبات محیطی، چرخه بالای بازار، تراکم فزاینده سرمایه و فعالیت‌ها، درجه زیاد تنوع فعالیت‌ها، تکنولوژی‌های متمایز و متنوع، نوع مالکیت خصوصی و غیردولتی، سبک مدیریتی قابل انعطاف و دارای سرعت بالا، پراکندگی جغرافیایی فعالیت‌ها، اندازه اقتصادی وسیع محصولات قابل عرضه به بازارهای خارجی موجب گردید که تحولات محیط خارجی بسیار وسیع‌تر از تغییرات محیط درونی شود و سبقت تحولات خارجی به ایجاد بحران‌های اقتصادی کشورها بینجامد. بحران‌هایی مانند فرار مغزها و کارآفرینان (جهانگرد، ۱۳۸۳)، خروج غیرقانونی ارز، ورود و خروج قاچاق کالا و انسان سایر بحران‌های اجتماعی از مجموعه ضعف‌های درونی و تهدیدهای محیطی، ساختاری مشکل‌زا برای اقتصاد کشور آفرید. اگر به یمن و برکت افزایش بهای نفت نبود، نمی‌توان ابعاد کنونی این بحران را پیش‌گویی نمود. (رانینا، ۲۰۰۵)

پیش‌نیازهای تنظیم قانون مالیات‌های مستقیم در راستای استراتژی توسعه پایدار

بالا بودن کارایی اقتصادی در کشورهای پیشرفته نتیجه توسعه منابع انسانی، تجهیزاتی، تکنولوژیکی، نرم‌افزاری، مدیریت، افزایش مهارت‌ها، تقویت منابع و امکانات مالی، سیستم جمع‌آوری و پردازش اطلاعات، روحیه کار گروهی، رضایت کارکنان و سهامداران، ساختار انعطاف‌پذیر و غیرانحصاری سهام، محیط مطلوب کار، تحقیق و توسعه، سرعت عمل در تولید و خدمات پس از تولید، انعطاف‌پذیری فعالیت‌ها، اصلاح و تغییر و جایگزینی سرمایه‌ها، اعتبار و اعتماد تجاری در سطح ملی و فراملی، تجربه، تخصص تجاری، توان مالی بالا برای فعالیت‌های کلان می‌باشد. با عنایت به چنین ویژگی‌هایی که

کشورهایی با کارایی اقتصادی بالا از یک سو و وجود ضعف‌هایی در محیط درونی ایران از جمله ضعف‌های مالیاتی، پولی و ارزی، روابط کار، سیاست‌های تجاری، ساختار مالی و مدیریتی، صادراتی، فقدان توسعه توانایی‌های مدیریتی، ساختار انحصاری و شبه انحصاری سرمایه و به تبع آن نحوه‌گزینش مدیران، انعطاف‌ناپذیری فعالیت‌های اقتصادی، فقدان سرعت عمل در مقابل تحولات محیطی (اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تکنولوژیک، رقبای جدید، قدرت عرضه‌کنندگان، قدرت خریداران، رقابت موجود، کالا‌های جانشینی، موقعیت رقبا، اعتباردهندگان، منابع انسانی) از سوی دیگر، قانون‌گذار مالیاتی قبل از تصویب قانون در سال ۱۳۷۱ ضرورت داشت تا با ایجاد مشوق‌های مالیاتی، بنگاه‌ها و مؤسسات اقتصادی را به کاهش ضعف‌های اخیر و انطباق ساختار عمومی بنگاه‌ها با ویژگی‌های پیش‌گفته‌ها و می‌داشت.

به جز انگیزه‌های بالا که قانون‌گذار در تنظیم مالیات با عنایت به آن‌ها می‌توانست به عنوان یکی از ابزارهای تقویت‌کننده مدیریت توسعه منابع در چارچوب استراتژی توسعه پایدار از آنان استفاده کند، لازم است به سایر سرفصل‌های مربوط به پیش‌نیازهای تنظیم قانون مالیات‌های مستقیم نیز اشاره شود:

یکم - لزوم وجود قانون ضد انحصار به منظور شکل دادن به کارآفرینان ماهر و گسترش سرمایه‌گذاری

دوم - بالا بردن کیفیت ورودی‌ها و خروجی‌های بنگاه‌ها و مؤسسات تولیدی و خدماتی

سوم - اصلاح فرآیندهای نامناسب عملیات تولیدی و خدماتی و بهبود تولیدات آنان

چهارم - ایجاد تناسب در رابطه بین قیمت/کیفیت

پنجم - کاهش هزینه‌های عملیاتی بنگاه‌های اقتصادی به وسیله ساز و کارهای قانونی

و اقتصادی

ششم - اصلاح قوانین بانکی، کار، بازار سرمایه، بیمه

هفتم - ایجاد قانون حمایت از مصرف‌کننده

هشتم - ساماندهی اصناف تولیدی، خدمات تولیدی و ایجاد معافیت‌های مالیاتی

نهم - تنظیم قانون سرمایه‌گذاری خارجی با توجه به معیارهای سازمان تجارت خارجی

دهم - مبارزه با انحصار در واردات، صادرات و بازرگانی داخلی

یازدهم - ایجاد قانون مبارزه با فساد و رشوه‌خواری به صورتی غیر تبعیض‌آمیز

دوازدهم - رفع موانع سرمایه‌گذاری خارجی فعالیت شعب بنگاه‌های خارجی در

زمینه‌های زیر:

- الف - اخذ مجوز برای تملک سهام بیشتر
- ب - انتقال سود یا منافع حاصل
- پ - از بین بردن ضعف سیستم بانکی در اجرای وظایف مربوطه
- ت - انجام فعالیت بانک‌های خارجی در ایران
- ث - حفظ ارزش پول ملی
- س - ایجاد رقابت عادلانه
- ش - شکل دادن آثار قابل اعتماد یا اطلاعات در مورد شیوه‌های داد و ستد در کشور
- ص - ساماندهی خط مشی دولت و هماهنگی خط مشی‌ها توسط وزارتخانه‌ها
- ض - اجتناب از پرداخت مالیات مضاعف در ارتباط با عقد قراردادهای سرمایه‌گذاری‌ها
- سیزدهم - حذف موانع غیرتعرفه‌ای
- چهاردهم - حمایت از تحقیق و توسعه در جهت تصمیم‌های استراتژیک و ایجاد معافیت‌های مالیاتی

پانزدهم - حمایت از صادرکنندگان بخش خصوصی در داخل و خارج از کشور

شانزدهم - تشویق افزایش ارتباطات متقابل کالایی، سرمایه‌ای، تکنولوژیک و مهارت‌های انسانی در ارتباطات جهانی بین فعالیتهای اقتصادی

بی‌توجهی به موارد تعیین‌کننده و ارتقاء دهنده بخش‌های مولد اقتصاد کشور موجب گردید تا تضعیف مدیریت منابع در شرایط بعد از جنگ ایران و عراق افزایش یابد. به طوری که انحصارات سرمایه‌ای تقویت بخشیده شد، اقتصاد زیرزمینی گسترش یافت، بدهی‌های خارجی بالا رفت، شفافیت بازار کم رنگ‌تر شد، فرار سرمایه‌ها و مغزها و کارآفرینان افزایش یافت، هرزروی منابع در بسیاری زمینه‌ها شکل گرفت و حتی به صورت فرهنگ جامعه متجلی گشت، ساختار منابع به جای اصلاح رو به تخریب نهاد، بخشی‌نگری و فئودالیسم اقتصادی تشدید یافت و موجب تغییر مداوم در قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌ها گردید، نظام پولی و بانکی همچنان تغییرناپذیر باقی ماند. تنظیم چنین قانون مالیات مستقیمی نه تنها به بهبود ساختار عمومی مؤسسات و بنگاه‌ها کمکی نمی‌نمود، بلکه نمی‌توانست راه‌گشای توسعه اقتصادی در آینده باشد. در چنین وضعیتی ابزار مدیریت توسعه منابع تبدیل به وسیله‌ای برای مدیریت تضعیف منابع گردید. (رانینا، ۲۰۰۵)

لازم به ذکر است که استفاده از هر ابزار اقتصادی باید به پشتوانه تفکری اقتصادی و

مبتنی بر نظریه‌ای اقتصادی باشد. از آن جا که چنین تفکری در قانون مالیات‌های مستقیم سال ۱۳۷۱ وجود نداشت و بر پایه هیچ گونه نظریه اقتصادی هم بنا نشده بود، نتیجه آن منجر به مدیریت تضعیف منابع گردید.

چنانچه قبلاً هم اشاره شد، مدیریت توسعه منابع فقط و فقط در چارچوب استراتژی توسعه پایدار معنا و مفهوم دارد و تحقق و اجرای این استراتژی بدون پایه‌ریزی اولیه کلیه ابزارهای مورد نیاز شکل‌گیری مدیریت توسعه منابع ناممکن خواهد بود. اصلاحات اقتصادی برآیند به کارگیری ابزارهای نوین و همسویی پیش برنده توسعه اقتصادی می‌باشد. چنانچه سازگاری در هر یک از ابزارها با سایر ساز و کارها وجود نداشته باشد، روند توسعه با تناقض محیط درونی و بیرونی مواجه خواهد شد و اختلال‌های مختلف اقتصادی و آثار زیانبار اجتماعی بر جای خواهد گذاشت.

اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۸۰، با اندکی تغییر در قانون مالیاتی قبل در شرایطی تنظیم شد که نه اصلاحی در مجموعه ابزارهای اقتصادی صورت گرفته بود، نه تغییر جهتی در مدیریت تضعیف منابع به عمل آمده بود و نه پایه‌های نظری استراتژی توسعه پایدار طراحی و در بدنه جامعه و بنگاه‌ها و بخش‌های کلان اقتصادی رسوخ نموده بود.

اصلاحیه مزبور با ابهام‌های فراوان به ویژه در زمینه جایگزینی اداره امور مالیاتی به جای تمامی تشخیص‌دهندگان میزان، ممیزان کل، هیأت حل اختلاف در عمل هیچ گونه ابزاری برای کنترل یا بررسی‌های مالیاتی و یا فرار مالیاتی مؤدیان قرار نداده بود. امتیازهای قائل شده برای کاهش مالیات شرکت‌های تولیدی و برخی نهادها اگرچه به نظر مثبت می‌رسید، اما به هیچ وجه ضمانتی برای نیل به استراتژی توسعه پایدار به حساب نمی‌آمد، زیرا این استراتژی بی‌بهره از سایر ابزارهای مورد نیاز بود. بخش مسکن از امتیازهای فزاینده‌ای برخوردار بود و این در شرایطی است که در تعاریف نوین اقتصادی ساختمان جزء بسیار کوچکی از منابع و دارایی‌های یک کشور محسوب می‌شود و منبع اصلی توسعه، علم مولد و دانایی مسئولان و مدیران اقتصادی و سیاسی کشور می‌باشد.

کلام آخر

هدف این مقاله به هیچ وجه تحلیل اصلاحیه قانون مالیات‌ها مصوب سال ۱۳۸۰ نمی‌باشد. بلکه هدف این مقاله صرفاً معطوف نمودن اذهان عمومی به ویژه مسئولان نظام

به این مهم است که مالیات حتی اگر هم درست تنظیم گردد؛ یکم، باید در چارچوب نظری و تفکری اقتصادی طراحی شود، دوم، تنظیم منطقی و اقتصادی مالیات‌ها فقط یکی از چندین ابزارهای مدیریت توسعه منابع به حساب می‌آید، سوم چنانچه پایه‌ریزی‌های مربوط جهت رویارویی با تهدیدهای محیطی توسط تمامی ابزارهای مورد نیاز صورت نپذیرد، نمی‌توان حتی به اثر بخشی مواد مالیات مستقیم (در صورت صحت آن) امیدی بست.

در سند گام دوم، سوم و چهارم دولت، استراتژی توسعه پایدار مبنای فعالیت‌ها قرار گرفت، اما متأسفانه مبنای و ابزارهای آن نه به درستی تعریف شد و نه آن که تأمین گردید. تعلق در تعریف مبنای و تأمین ابزارها نه تنها امر توسعه را از درون خالی می‌کند، بلکه اقتصاد کشور را هر چه بیشتر به حاشیه اقتصاد جهانی می‌راند. نیاز امروز و فردای ایران ایجاب می‌کند تا از تعلل‌ها پرهیز شود و با جدیت سعی در فراهم کردن تمامی زمینه‌های توسعه اقتصادی کشور گردد.

اصلاحیه قانون مالیات‌ها در سال‌های ۱۳۷۱، ۱۳۶۶ و ۱۳۸۱ جز تغییری اندک، تغییری در ساختار و شکل قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۴۵ به وجود نیاورده است. به رغم برخی اشکال‌ها، قانون مالیات‌های مستقیم سال ۱۳۴۵ مربوط به شرایطی تاریخی و اقتصادی بود که اقتصاد جهانی از وضعیت دو قطبی بهره می‌گرفت، همچنین نیاز به ایجاد قطب‌های اقتصادی منطقه‌ای با محوریت چند کشور مستعد احساس می‌گردید، و اقتصاد ایران با استعدادهای بالقوه وسیع و همچنین تغییر در ساختار تولیدی آن و تبدیل از شرایط تولید کشاورزی به وضعیت کشوری صنعتی می‌توانست محور توسعه در منطقه خاورمیانه محسوب گردد و نیز ایران به عنوان مانعی در مقابل تندبادهای ناشی از جنگ سرد بین دو قطب جهانی می‌توانست دارای نقش منطقه‌ای جهت ایفای نقش اصلی در فعالیت‌های اقتصادی و حتی سیاسی آن باشد.

بدیهی است در چنین شرایطی قانون مالیات‌های مستقیم با بهره‌گیری از سایر چارچوب‌های قانونی مانند قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی سال ۱۳۳۲ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۳۴، قانون بازار بورس و سایر قوانین که به جذب و تقویت منابع توسعه و همچنین به ایجاد ثبات و امنیت در عرصه‌های گوناگون فعالیت‌های بازار می‌انجامید، می‌توانست کارآیی اقتصادی را به ارمغان آورد.

اما اصلاحیه‌های قانون مالیات‌های مستقیم که در بالا به آنها اشاره شد در شرایطی از

تاریخ اقتصادی کشور تنظیم گردید که:

یکم، هیچ یک از عوامل مورد اشاره در بالا در فعالیت‌های جهانی و منطقه‌ای بر آن حاکم نبود،

دوم، تحولات سیاسی جهان از وضعیت دو قطبی اقتصادی به جهت‌گیری‌های جهانی شدن اقتصاد گرایش داشت،

سوم، نقش محوری توسعه اقتصاد منطقه‌ای به گروهی از کشورهای خلیج فارس اختصاص یافته بود،

چهارم، تحولات اقتصادی جهانی با چنان سرعتی صورت می‌پذیرفت که دیگر اقتصادی بسته و جزیره‌ای نمی‌توانست پاسخگوی انطباق با این تحولات باشد و به لزوم باید دریچه‌ها و فرصت‌های جدید دیگری جانشین آن شود،

و پنجم، قوانین پشتیبانی‌کننده از قانون مالیات‌های مستقیم کاملاً کم رنگ شده و فضای اقتصادی مانعی در مقابل همکاری‌های بین‌المللی به منظور همگرایی اقتصادی و هم‌خوانی با تحولات اقتصاد جهانی به حساب می‌آمد. تمام این تغییرات و همچنین تضعیف منابع توسعه داخلی به افزایش ضعف اقتصادی و مشکل‌زایی آن در مقابل تهدیدهای اقتصادی یا سیاسی جهانی کمک می‌نمود.

راهکارهای جدید در چنین شرایط پیچیده و ابهام‌انگیز بین‌المللی باید پیش‌بینی شود و مالیات‌های مستقیم به عنوان یکی از ابزارهای مدیریت توسعه منابع به لزوم باید از تغییراتی ساختاری در شکل و محتوا برخوردار گردد، زیرا به نظر می‌رسد تنها با تنظیم چند اصلاحیه به هیچ وجه نمی‌توان یکی از ابزارهای مدیریت توسعه منابع را تأمین نمود.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- Sustainability development Strategy
- ۲- Labor Force
- ۳- Sustainability
- ۴- Weak Sustainability
- ۵- Robert Solow
- ۶- Strong Sustainability
- ۷- Holling
- ۸- Common, Mic and Charles Perrings, ۱۹۹۲
- ۹- Economic and natural capital
- ۱۰- Total Economic Value
- ۱۱- Intergenerational Economic Welfare
- ۱۲- The Span of Existence of the Human Species
- ۱۳- Resilience in Production and Economic Systems
- ۱۴- Sustaining Community
- ۱۵- John Rawls
- ۱۶- Trade Off
- ۱۷- Global Economy
- ۱۸- Resource Management
- ۱۹- Credibility
- ۲۰- Underground Economy
- ۲۱- Anti globalization

۲۲- منظور از فساد (Corruption) فقط فساد مالی نیست. بلکه علاوه بر فساد اقتصادی (مالی)، فساد سیاسی و اجتماعی هم شامل می‌شود. در کشورهای در حال توسعه، تعریف‌های ارائه شده برای فساد مالی بیشتر بر پایه توجه به نقش بنیادی دولت صورت گرفته است. این گونه تعریف‌ها به ویژه برای مقاصد کاربردی و تقسیم گونه‌های فساد مالی با هدف شناسایی مصادیق علمی آن در جامعه مفید است. از این دیدگاه فساد مالی به عنوان عارضه‌ای برخاسته از یک ارتباط نادرست میان دولت و جامعه و نیز ارتباط ناسالم درونی ساختارها و تشکیلات حکومتی قابل تعریف است. اما همچنان می‌توان به فساد سیاسی (Political Corruption)، فساد اداری (Bureaucratic Corruption)، فساد کارکردی (Functional Corruption)، فساد ناکارکردی (Disfunctional Corruption)، فساد مالی به عنوان ساز و کار نشت از بالا (Upward extraction) یا توزیع مجدد رو به پایین (Downward Redistribution) اشاره کرد. فراهم آوردن زمینه افزایش رقابت سیاسی و اقتصادی، پاسخگو بودن و شفافیت عملکرد دولت در تنظیم مقررات و نظارت مبتنی بر اصول مردم‌سالاری، ابزارهای اصلی لازم برای مبارزه با فساد مالی و سوء استفاده از قدرت به شمار می‌آید. بسیاری از ساز و کارهایی که برای مهار فساد ریشه‌دار (Systemic) و بوم‌گیر (endemic) پیشنهاد می‌گردد، همان راهکارهای گسترش و تعمیق مردم‌سالاری و برقراری یک نظام مدیریتی و نظارتی کارآمد و نه استبدادی است.

۲۳- ادغام (merger) - اصطلاحاً به اختلاط یا ادغام دو یا چند شرکت جداگانه در یک دیگر می‌گویند. ادغام می‌تواند هم از این طریق به وجود آید که یک شرکت تمام سهام سایر شرکت‌ها را خریداری نماید یا سهام خود را با سهام شرکت طرف ادغام معاوضه کند، یا آن که تمام دارایی شرکت ادغام شده را بخرد و آن شرکت را منحل نماید. در ادغام، شرکت فعال معمولاً نام خویش را حفظ می‌کند. انگیزه ادغام می‌تواند ظرفیت بیشتر، گسترش و تنوع تولیدات، در دست گرفتن کنترل مواد اولیه مورد نیاز شرکت (ادغام پس رو یا backward integration)،

در دست گرفتن کنترل فروش (ادغام پیش رو یا (forward integration))، گنجاندن ظرفیت اضافی در بازاری جدید و بهره‌مندی از منافع شرکت‌هایی که از نظر مالیاتی ضرر می‌دهند به منظور پایین آوردن بدهی مالیاتی شرکت‌های سودده باشد. ادغام یکی از راه‌های ترکیب کسب و کار است که در آن شرکت ادغام شده هویت قبلی خود را از دست می‌دهد و تمام دارایی‌های آن در شرکت جدید تلفیق می‌شود. از این نظر ادغام را باید از تلفیق ((consolidation)) متمایز دانست. در تلفیق تمام واحدها هویت خود را از دست می‌دهند و شرکتی جدید به جای تمام آن‌ها می‌نشیند.

۲۴- Horizontal merger

۲۵- Vertical merger

۲۶- به طور مثال بر اساس شاخص‌های توسعه جهانی، ایران در سال‌های ۱۹۹۰، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴، ۲۰۰۰، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ به ترتیب رتبه‌های بیست و نهم، هشتم، پنجم، پانزدهم، هیجدهم و ششم را در بین سایر کشورهای جهان به لحاظ میزان مالیات بر درآمد (tax on income)، مالیات بر سود (tax on profits) و مالیات بر سود سرمایه (tax on capital gain) به خود اختصاص داده است. همچنین در ۳۰ کشور ثروتمند جهان میانگین نرخ مالیات بر سود شرکت‌ها از ۳۷/۶ درصد در سال ۱۹۹۶ به ۳۰/۸ درصد در سال ۲۰۰۳ کاهش یافته است. دلیل اصلی این امر رقابت دولت‌ها به جلب سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد. مالیات بر درآمد اقشار پردرآمد هم از روند مشابهی برخوردار بوده است. به طور مثال بین سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۸ نرخ مالیات بر درآمد برای درآمدهای بالا در بیشتر کشورها به میزان چشمگیری کاهش یافت.

۲۷- Small and Medium Enterprise



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

منابع فارسی:

- خلعت‌بری، فیروزه، «بهره‌برداری بهینه از منابع نفتی در راستای توسعه پایدار»، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، ۱۳۷۹.
- جهانگرد، هاجر، «اقتصاد دانش‌بر و فرار مغزها»، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال ششم، پاییز ۱۳۸۳.
- جهانگرد، هاجر، «نظریه‌ی عدالت جان رالز»، فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره‌ی ۱۹، سال ششم، زمستان ۱۳۸۳.

منابع انگلیسی:

- Byrne John, Bo Shen and Xiugo Li, "The Challenge of Sustainability: Environmental Goals", Energy Policy, 1996, vol.24, pp 455-462
- Common Mic and charles perrings, "towards an ecological economics of sustainability", ecological economics, volume 6, issue 1, 1992, pages 7-39.
- "Eu Tax Law for Direct Taxes", shelton- SITTI: Sheltons International Tax Training Institute, Information Document, and February, 2005
- <http://www.nationmaster.com/graph/tax>
- Lopez Ramon, "Growth, Equity and the Environment: Elements for a Development Strategy for Latin America", Working Paper, University of Maryland at College Park, 2003
- Martha J. Garrett, "Looking at the Future: Lessons Learned from 21st Century Studies, Studies for the 21st Century", Chapter 1, Institution for 21st Century Studies, 1999
- Pezzey, John, "Sustainable Development Concepts, an Economic Analysis", World Bank environment paper; no.2, 1992.
- Ranina H. P, "Three Keys to Direct Tax ReformQs", The Hindu Business line, 2005
- Raymond Torres, "Towards a Socially Sustainable World Economy", Geneva, ILO 2003
- Starr Amory and Jason Adams, "Anti-globalization: the Global Fight for Local Autonomy", New Political Science, Volume 25, No. 1, 2003
- Working Together towards Sustainable Development: the OECD Experience", OECD, July 2002